



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: لو نکح المریض/ارث زوجه/میراث الأزواج.
 امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيلة مسئله "لو نکح المریض" را با فروعاتش مطرح کردند به این بیان که: «مسألة ۳: لو نکح المریض فی مرضه، فإن دخل بها أو برأ من ذلك المرض یتوارثان، وإن مات فی مرضه ولم یدخل بطل العقد ولا مهر لها ولا میراث، وكذا لو ماتت (زن) فی مرضه ذلك المتصل بالموت قبل الدخول لا یرثها (مرد از زن ارث نمی برد)، ولو تزوجت وهي مریضة لا الزوج فمات أو ماتت یتوارثان، ولا فرق فی الدخول بین القبل والدبر، كما أن الظاهر أن المعتبر موته فی هذا المرض قبل البرء لا بهذا، فلو مات فیہ بعلة أخرى لا یتوارثان أيضا، والظاهر عدم الفرق بین طول المرض وقصره، ولو كان المرض شبه الأدوار بحيث یقال بعدم برئه فی دور الوقوف فالظاهر عدم التوارث لو مات فیہ والأحوط التصالح»^۱.

گفتیم که مرحوم نراقی در مستند الشیعة و شهید ثانی در مسالک و صاحب ریاض فرمودند "لو ماتت فی مرضه ذلك المتصل بالموت قبل الدخول یرثها" یعنی در این صورت مرد از زن ارث می برد زیرا زوجیت محقق شده و در ارث دخول شرط نیست بلکه زوجیت میزان است و در آیات قران نیز زوجیت ملاک قرار داده شده است.

صاحب جواهر نیز در فرع مذکور مانند امام رضوان الله علیه می فرماید مرد از زن ارث نمی برد و دلیل ایشان این است که اینجا مانند عقد فضولی است یعنی نکاح مریض بدون دخول صحت تأهلیه دارد و دخول مانند

اجازه در عقد فضولی می باشد که با تحقق آن عقد صحت فعلیه پیدا می کند و کشف می شود که عقد از حین وقوع صحیح بوده و آثار بر او مترتب شده بنابراین چون دخول صورت نگرفته عقد باطل است و ارث وجود ندارد بعلاوه ایشان می فرماید چونکه از طرف مرد دخول صورت نگرفته و عقد باطل شده از طرف زن نیز باید عقد باطل باشد زیرا عقد یک موجود و متقوم به طرفین است و نمی شود از یک طرف صحیح و از طرف دیگر باطل باشد پس نمی توانیم بگوئیم عقد مذکور نسبت به مرد صحیح است و اثر دارد و با فوت زن قبل از دخول مرد از زن ارث می برد ولی بالعکس عقد مذکور نسبت به زن باطل است و با فوت مرد قبل از دخول زن از مرد ارث نمی برد.

کلام صاحب جواهر این است: «ومنه حیثئذ یعلم قوة القول بعدم الإرث لو ماتت هی فی مرضه ثم هو مات بعدها فی ذلك المرض، لانکشاف فساد العقد بعدم الدخول والموتفی المرض وإن أشکل علی جماعة ذلك مما ذکرناه ومن أن الحكم علی خلاف الأصول، فیقصر فیہ علی مورده وهو موته، فیبطل حیثئذ من أحد الطرفين دون الآخر، ویتجه إرثه لها فی الفرض. وفيه أن المعلوم من قاعدة العقود كفاية البطلان من أحد الطرفين فی فسادها»^۲.

در واقع صاحب جواهر طبق مبنای خودشان که ما نحن فیہ را مانند عقد فضولی دانسته فرموده در هر دو صورت اگر دخول نباشد ارث وجود ندارد بر خلاف صاحب ریاض و صاحب مسالک و صاحب مستند الشیعة که ما نحن فیہ را عقد متزلزل جائز می دانند که صحیح است و آثار بر او مترتب می شود یعنی ارث

^۱ تحریر الوسيلة، امام خمینی (رن)، ج ۲، ص ۳۹۷، مسئله ۳، ط نجف.

^۲ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۲۲۱، ط ۴۳ جلدی.

وجود دارد و با دخول در واقع لزوم پیدا می کند بنابراین در این مسئله دو مبنا وجود دارد.

مسئله مهمی که در اینجا وجود دارد این است که اگر عقدی منعقد شد آیا می شود از یک طرف صحیح و از طرف دیگر باطل باشد؟ صاحب عروة این بحث را در مسئله ۵۵ از مسائل اجتهاد و تقلید مطرح کرده و فرموده: «مسألة ۵۵: إذا كان البائع مقلدا لمن يقول بصحة المعاوضة مثلا أو العقد بالفارسي، والمشتري مقلدا لمن يقول بالبطلان، لا يصح البيع بالنسبة إلى البائع أيضا، لأنه متقوم بطرفين، فاللزام أن يكون صحيحا من الطرفين. وكذا في كل عقد كان مذهب أحد الطرفين بطلانه، ومذهب الآخر صحته»^۳.

این متن عروه است اما تمام محشین و شراح در اینجا با کلام صاحب عروه و علتی که بیان کرده (لأنه متقوم بطرفین) مخالفت کرده و فرمودند اشکالی ندارد که از یک طرف صحیح و از طرف دیگر باطل باشد بنابراین کلام صاحب عروه و همچنین کلام صاحب جواهر که می فرمایند عقد متقوم به طرفین است و نمی شود از یک طرف صحیح و از طرف دیگر باطل باشد مردود می باشد.

مطلب دیگر اینکه اگر مرد قبل از دخول فوت کرد منتهی نه به علت مرض بلکه به علت دیگری آیا ارث وجود دارد یا نه؟ که امام رضوان الله علیه در این رابطه فرموده: «كما أن الظاهر أن المعتبر موته في هذا المرض قبل البرء لا بهذا، فلو مات فيه بعلة أخرى لا يتوارثان أيضا»^۴، چون دخول صورت نگرفته اما صاحب ریاض و صاحب مسالک و صاحب مستند الشیعة در اینجا نیز همان اشکال را طبق مبنای

خودشان (عقد جائز و متزلزل و صحیح و دارای اثر است و دخول عقد را لازم می کند) مطرح می کنند و می فرمایند در این صورت نیز ارث وجود دارد.

ما باید به لسان روایات توجه داشته باشیم، گفتیم که در باب ۱۸ از ابواب میراث الأزواج سه خبر صحیح نقل شده که صاحب ریاض و صاحب مسالک و صاحب مستند الشیعة از این اخبار اینطور برداشت کرده اند که عقد مذکور حدوثاً صحیح است و آثار بر او مترتب می شود و دخول شرطی برای بقاء آن می باشد یعنی اگر بعدا مرد و دخول نکرد زن از او ارث نمی برد.

مطلب دیگر در مورد کلمه "فی" می باشد که در اخبار باب ۱۸ ذکر شده و اینکه آیا برای ظرفیت است یا برای سببیت؟ .

مطلب بعدی در مورد مرض می باشد که چگونه باید باشد، امام رضوان الله علیه می فرماید اگر مرض سالها طول بکشد اگر دخول کرد نکاح صحیح است و ارث وجود دارد ولی صاحب جواهر می فرماید ظاهر اخبار بر مرضهای معمولی دلالت دارد. بقیه بحث بماند برای بعد إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين

^۳ العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۱، ص ۴۶، ط جماعة المدرسين.

^۴ تحریر الوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۹۷، مسئله ۳، ط نجف.